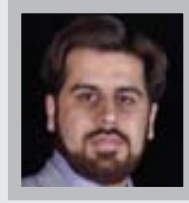


آیا «پایتخت معنوی» فقط یک عنوان است؟

گفت و گو با سید مجتبی حسینی
آینده پژوه و مدرس دانشگاه تهران

امید طلوع



معرفی مشهد به عنوان پایتخت معنوی در افق ۱۰ ساله چه الزاماتی را در زمینه نما و محتوا می طلبد؟

تازمانی که تعریف جامعی برای پایتخت معنوی نداشته باشیم نمی توان نظر کارشناسی درستی در زمینه پیوست فرهنگی داشته باشیم. آیا پایتخت معنوی فقط یک عنوان نمادین برای مشهد است؟ و یا این که از نظر جغرافیایی ما به این شهر پایتخت معنوی می گوئیم؟ به لحاظ موضوعات محوری فقط موضوع زائر و زیارت مطرح است؟ بعد معنویت چه تعریفی در این جایگاه دارد؟ در صورت تحقیق و پژوهش درباره این گونه مباحث می توان به محتوای مورد نظر برای پایتخت معنوی دست یافت، از طرفی می توانیم معنویت را به عنوان یک مفهوم انتزاعی داشته باشیم و مباحث اجتماعی، اقتصادی و شهری از آن منفک باشد.

برای مثال سیستم اقتصادی ما را در نظر بگیرید که بحث روز ما هم هست، معمولا ما دستور کاری تقلیدی داریم به فرض که می خواهیم نظام اقتصاد خود را تعطیل و با نظام اقتصاد اسلامی شروع به کار کنیم. آیا الگویی تعریف کردیم؟ تاملی بر اقتصاد اسلامی داشتیم؟ برای این که این گونه نظام بانکداری پچرخد باید الگویی وجود داشته باشد باید رویه ها مشخص شود، با حرف نمی شود به هر حال بازارگان ما، تولید کننده ما نمی تواند منظر باشد تا با سعی خطا نظام اقتصادی را جلو ببریم هم چنین جامعه نمی تواند منتظر آن باشد، پایتخت معنوی هم تقریبا شبیه به همین موضوع است. بنابراین در مورد موضوع پایتخت معنوی می بایست یک الگوی جامع تعریف شود اما مجرای مشهد که تقریبا بنده در جریان موضوعش هستیم یک موضوع دستوری بود و تعریف آن صورت گرفت و برچسب گذاری شد. بر اساس آمار سالانه ۲۰ میلیون زائر در مشهد داریم این رقم را جلو هر دانشجوی اقتصادی بگذاریم هوش از سرش می پرد. در این فرآیند زائری که به شهر مشهد می آید تمام امیدش شهر مشهد است و زائری که با جیب پر پول می آید با جیب پر پول می رود که ضعف ما را در مدیریت زائر و گردشگر می رساند.

با نگاه به روند فعلی توسعه شهر مشهد به ویژه در امور عمرانی با تاکید بر ساخت تعداد زیاد مجتمع های تجاری و رفاهی و تفریحی مانند سرزمین موج های آبی، پدیده شاندیز و... چه آینده های یا به بیان بهتر چه سناریویی برای این شهر متصورید و محتمل می دانید؟

بنده با ایجاد مجتمع های تفریحی و گردشگری در مشهد موافقم چرا که نقش این موضوع مثبت است در مقابل شاخص ها و مولفه های مختلفی برای ارزیابی داریم، یک بحث ماندگاری زائر است آمار نشان می دهد که ماندگاری زائر از ۱۱ روز، به حدود ۳ روز رسیده البته عمدتا موضوع ضعف در سیستم نیست بلکه به دلیل پیشرفت هایی است که به وجود آمده، از طرفی بحث دیگر ایجاد امکاناتی برای تمامی افراد یک خانواده از کودک، نوجوان، جوان، میانسال و پیر است تا بتوان اقامت خوشی را برای آنان رقم زد پس این موضوع می تواند در کل مثبت باشد اما ضعفی که ما در این حوزه داریم نبود چشم انداز است بی برنامه بودن در این حوزه به ویژه در آینده برای ما به یک چالش تبدیل خواهد شد اگر واقعا ما یک برنامه مدون داشته باشیم در واقع می دانیم به چه تعداد مجتمع تجاری، با چه مشخصاتی، در چه موقعیت مکانی و با چه کاربری نیاز داریم البته آسیب عمده های که وجود خواهد داشت تصور زائر از هم ترازی دانستن این گونه تفریحات با موضوع زیارت است. برای رفاه حال زائر به جرات می توانم بگویم که ما نیاز به ۱۰ تا ۱۵ مجموعه تفریحی تراز اول مانند سرزمین موج های آبی داریم.

در سناریو متصور شما موضوع فرهنگ در پایتخت معنوی ایران چه جایگاهی خواهد داشت؟

به نظر من شهر مشهد گر خورده با موضوع زیارت است، بنابراین تمام مسافران فقط به بهانه سفر تفریحی به مشهد نمی آیند در واقع باید سفرها را با محوریت زیارت تحلیل کنیم در کنارش بحث اسکان، وجود ناوگان حمل و نقل روان برای زائر و گردشگر است، در واقع با آمدن به مشهد به جز لباس و زعفران و زیارت، محصولات دیگری برای خرید وجود داشته باشد،

آیا آمدم نمادهایی از حرم ایجاد کنیم؟ ما تعدادی کارت پستال ساده که ساده ترین محصول فرهنگی است از حرم داریم که زائر بتواند از آن به عنوان سوغات استفاده کند؟ یا در داستان مهر و تسبیح ما با دید دیگری به موضوع نگاه کردیم؟ و یا در داستان کتاب چه محصولات هنری داشته ایم؟ در واقع یک کودک، نوجوان یا جوان ما چه تصویری از امام رضا (ع) می تواند با شرایط فعلی داشته باشد، اگر می گوئیم امام رثوف آیا پویانمایی، کتاب یا محصول فرهنگی برای ترویج این گونه صفات امام رضا (ع) داریم؟ برای مثال از در باب الجواد (ع) که مشرف می شوید آستان قدس تعدادی حجره مغازه ایجاد کرده است که متاسفانه بدون استفاده مانده حال اگر از این ظرفیت برای فروش محصولات فرهنگی استفاده کنیم چه انقلابی در تغذیه مناسب زائران اتفاق می افتد.

بر مبنای آینده های که شما برای مشهد پیش بینی می کنید چه مجموعه اقدامات و فعالیت های کلیدی را برای اصلاح یا تکمیل یا تغییر روند فعلی پیشنهاد می کنید؟

به نظر بنده مشهد در یک افق بلند مدت به عنوان یک قطب فرهنگی در آسیای میانه باید شود، البته این قطب فرهنگی باید الزاماتی داشته باشد برای مثال باید دارای مراکز علمی و دانشگاهی متعددی باشد، اما نوع کسب و کارهایی که در مشهد وجود دارد بیشتر در حوزه صنایع غذایی است در صورتی که باید چرخشی به سمت صنایع نرم داشته باشیم می بایست ما از بحث سخت افزاری بر روی نرم افزاری متمرکز شویم، ما در حال حاضر با مشکلات محیط زیستی مواجه هستیم که در آینده به فاجعه تبدیل می شود، قاعدا مشهد باید تبدیل به شهر سبز شود چه از منظر توسعه صنایع هوایی و چه از منظر توسعه صنایع ریلی و دیپلماسی، مشهد باید به سمت دولت محلی برود البته با یک برنامه ریزی منطقی و جامع که اختیارات کافی به مدیریت شهری داده شود و یک پارلمان شهری قوی ایجاد شود، در واقع ذیل چشم انداز ملی برخی قوانین خاص برای شهر مشهد تعریف کنیم.

نمایندگان مشهد تحت تاثیر مطالب شما، به ما اعلام کردند برای جلوگیری از این فاجعه، یک سال تعلیق بدهید تا ما بررسی کنیم، می گوئیم آیا امیدی به آینده و قول همکاری می دهید؟ می گویند اگر این طرح ۱۰ سال هم متوقف شود اشکالی ندارد آیندگان فرصت خواهند داشت تا آن را بسازند. اما با بضاعتی که از مسئولان و کارشناسان سراغ داریم این اتفاق رخ نخواهد داد. برای احداث میدان شهدا که طرح آن از قبل آماده شده بود، کارشناس برجسته معماری کشور را دعوت کردیم تا برای هویت بخشی به این میدان بدون دریغ هر کار می توانند با هر هزینه ای انجام دهند اما یک برگ خروچی وجود نداشته است. ما هم انتظارات بالایی داریم، اما توان کارشناسی کشور ما در همین حد است. چرا اتفاقاتی که در گذشته در اطراف حرم مطهر رخ می داد را فاجعه نمی گوئید؟ نمی توانستیم یک مهمان خارجی به این شهر دعوت کنیم، فضاهای اقامتی ما بسیار نامناسب بود و امکانات ضعیفی داشتند. در طرح ما ۳۵۰ پروژه در نظر گرفته شده که ۱۳۰ پروژه انجام شده و هنوز ۲۲۰ پروژه دیگر باقی مانده است، اگر این طرح را فاجعه می نامید تا رسیدن به آن هنوز فرصت باقی است و اگر می توانید کاری برای آن انجام دهید ولی ما مطلقا هیچ آمیدی به بضاعت های کارشناسی و مالی و به اراده و همت مسئولان و مدیران کشور داریم.

رویکرد، به اندازه کافی جامع و بزرگ در نظر گرفته نمی شود

مهندس احدیان: ایراد ما این است که این بحث به اندازه کافی جامع و بزرگ در نظر گرفته نمی شود، ما با توجه به اجرایی بودن این نقشه، راهکارمان را ارائه می دهیم. مثلا اگر طرح توسعه کمی و کیفی زیارت که تصویب شد، به درستی در سطح استان مورد کارشناسی قرار می گرفت و استاندارد به دقت حمایت و نظارت می کرد، به این جانی رسید که بحث های نامرتبط با بحث زیارت در آن گنجانده شود. قرار بود بر این اساس طرحی آماده شود که به آن بودجه اختصاص پیدا کند، اگر به این طرح به عنوان یک طرح جامع و ملی نگاه می شد و بنیان آن به درستی بنا می شد، حتما تایید مجلس، همراهی دولت و حتی نگاه رهبری را به دنبال داشت و تحول بزرگی اتفاق می افتاد و این پروژه در سطح ملی اجرایی می شد. اگر بتوان بین رسانه، کارشناسان و کسانی که در بین مسئولین و مدیران صاحب نفوذ هستند پیوند داده و یک طرح و نقشه جامع ترسیم و تصویب شود، حتما عملیاتی و اجرایی خواهد بود.